

اشتباه های قرآن : " قلب، جایگاه اندیشه "!

در قرآن همه جا، از قلب بعنوان جایگاه اندیشه سخن گفته شده :

برای نمونه :

لهم قلوب لا يفقهون بها.. لهم اعين لا يبصرون بها ...

(قلب دارند ولي با ان نمیفهمند .. چشم دارند ولي با ان نمیبینند)

یعنی همانگونه که چشم را ابزار دیدن و گوش را ابزار شنیدن دانسته، قلب را هم جایگاه و ابزار فهمیدن دانسته ! این برای آنست که در آنزمان، حکمت یونان، بالاترین سواد و آگاهی مردم بود و این حکمت یونان میگفت که مردم با قلب خود اندیشه و احساس میکنند و برای همین هم این در ادبیات آمده : برای نمونه دلم تو را میخواد، دلم گواهی میدهد که اتفاقی افتاده، حرفهای او به دلم نشست و غیره

الله هم گویا ادعا میشود که قرآن را وحی کرده، سوادش بیشتر از این نبوده و همه جا در قرآن، قلب را ابزار اندیشه و فهم آورده است !

(گذشته از سوتی های دیگر، مانند ستارگان را زینت آویزان شده از سقف آسمان ها دانستن و شهاب را تیر ملانکه برای زدن اجنه جا زدن و)

برخی میگویند که مراد از این قلب، درون، نفس و یا روح آدمی است و با بازی با واژه ها، تلاش در ماست مالی این نادرستی بزرگ قرآن دارند.

برخی هم میگویند که برای فهم بیشتر مردم، الله این اشتباه مصطلح ! را بکار برده !

در پاسخ باید گفت :

مگر قرآن نگفته که کتاب آشکار (مبین) است و لا ریب فیہ !

مگر نگفته که قرآن را برای فهم آسان کردیم و مگر ادعای حقیقت را ندارد؟ پس نیازی نبوده است که خدا تسلیم بیسوادی مردم شود و بجای مغز یا دستکم، روح از قلب سخن بگوید. اگر خدا تسلیم خواست مردم میشد که دیگر پیامبر نمیفرستاد و جنگ نمیشد و مردم مخالفتی با پیامبران نمیکردند چون همه چیز باب طبعشان میبود !!

وظیفه ئ پیغمبر، گفتن حقیقت است، چون خدا (راستین) نیازی به دروغ مصلحت آمیز و یا برای فهم !! مردم ندارد. پس میخواهند این نادرستی قرآن را با این بهانه، ماست مالی کنند که خدا گویا عوامانه حرف زده است !!

دیگر اینکه، وظیفه ئ روح فهمیدن نیست، بلکه روح در آموزه های دینی، تنها انگیزه ئ " زندگی " است. مثلاً در خلقت آدم آمده است الله از گل و خال خمیر گرفت و آنرا شکل داد !! و سپس از روح خود در آن فوت کرد و دمید و آدم یهو زنده شد!! هر کس هم که روح از بدنش گویا خارج شود، می میرد و روح او بسوی خداوند که سرچشمه ئ ان است بر میگردد (انا لله و انا الیه راجعون). در هیچ جای قرآن و یا در حدیث محکم نیامده است که روح مسنول فهم و درک است! تازه در قرآن آمده است که « ای رسول از تو درباره ئ روح میپرسند، آن امری است از خداوند» یعنی به شما ها مربوط نیست !

بهرروی قلب بعنوان همان « دل » در قرآن آمده و خود « روح » هم در قرآن آمده و دلیلی ندارد که از یکی بجای دیگری استفاده بشود، مثلاً گفته به قلب های فلان ها مهر زدیم که نفهمند !! در حالیکه به روح نمیتوان مهر زد چون از جوهره ئ خود خداست.

قلب در اصل و ریشه در عربی به معنی همان دل و عضو گوشتی است :

قلب

الغنی :

قَلْبٌ - ج: قُلُوبٌ. [ق ل ب]. (مص. قلب). ۱. (تش) : عَضُوٌّ عَضَلِيٌّ يَبْيَضُ فِي الْجَانِبِ الْأَيْسَرَ مِنَ الصَّدْرِ، يُنْظَمُ الْحَرَكَةُ الدَّمَوِيَّةَ إِلَى أَطْرَافِ الْجِسْمِ، الْفُؤَادُ. ۲. "إِخْتَفَى فِي قَلْبِ الْمَدِينَةِ" : فِي وَسْطِهَا

در اینکه در قرآن، منظور از قلب همان قلب و دل است و نه چیز دیگر، شکی نیست چون فزون بر قلب، از واژه ئ « صدر» نیز اغلب در همین پیوند و به همراه همین واژه سود برده شده (فی صدورهم... فی قلوبهم) واژه ی صدر در زبان تازی به چم (معنی) سینه است، مثلاً میگوید که خدا به آنچه در سینه های آنهاست آگاه است، به آنچه در قلب هایشان پنهان میکنند !!

یا مثلاً

...لیبتلی الله ما فی صدورکم و لیمحص ما فی قلوبکم و الله علیم بذات الصدور ..

تا خدا آنچه در سینه ها هست بیازماید و هرچه در دل هاست پاک گرداند و خدا به راز سینه ها آگاه است !!

صدر

المحیط :

الصدْرُ : مصـ.:- فی التشریح، جزء من الهیکل العظمی یحضنُ القلبَ والرئتَینِ یقعُ بین العنُقِ وعظم القِصِّ.-: القلب

نفس و روح و قلب، سه واژه جدا هستند و تفاوت های گوناگون ظریف ویا غیر ظریف با هم دارند و نمیتوان آنها را بجای هم قالب کرد !!

مثلاً در قرآن گفته (فی قلوبهم مرض) یعنی قلب مریض (آدم دیوانه) هست، ولی روح مریض نگفته و یا نفس اماره (به شر) هست ولی روح اماره به شر نداریم و غیره !

نفس (خود) آگاهی را میرساند، قلب ابزار فکر شمرده شده روح اسباب زنده بودن (جان) است (و به جبریل هم اطلاق شده).

اینکه چیزی از وجوهای روح باشد، به معنی خود آن نیست. یعنی به زبان ریاضی، زیر مجموعه چیزی، مساوی با خود آن (سر) مجموعه نیست.

نفس و روح دو مفهوم سوا و جدا هستند، مثلاً در همان قرآن جعلی آمده : **کل نفس ذائقة الموت**، یعنی هر نفسی دستخوش مرگ است، در حالیکه در دین اسلام ، خود روح نامیرا و نمردنی است، چون جزئی از خدا هست. پس چگونه روح میتواند همان نفس باشد و هردو همان قلب ؟؟ پس قلب، یک مفهوم جداست و همان دل است که سینه جای دارد که در قرآن هم واژه های صدور و قلوب بسیار در کنار هم و بعنوان جایگاه اندیشه و افکار پنهان و .. بکار رفته است، چون سواد الله بیشتر از سواد مردم آنزمان نبوده !!

بخشی از آیه ۴۶ سوره حج

....القلوب التي فی الصدور

...دل ها که در سینه هاست ...

پس میبینیم که در نص صریح قرآن، قلب همان دل است که در درون سینه جای دارد و نه آن ادعا های دیگر که میکنند و بنادرست، ابزار فهم و اندیشه و دریافت دانسته شده!

مزدک

درفش کاویانی



[/http://derafsh-kaviyani.com/parsi](http://derafsh-kaviyani.com/parsi)